



تحلیل تأثیر فرهنگ شرکتی نافذ و تغییر ناگهانی مدیر عامل بر مقایسه‌پذیری

صورت‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

علی عزیزی^{۱*}، دکتر ناصر ایزدی‌نیا^۲، دکتر داریوش فروغی^۳

چکیده: فرهنگ شرکتی نافذ از دو طریق می‌تواند بر مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی اثر مثبت بگذارد. نخست با شفاف‌سازی اهداف و رویه‌های شرکت؛ و دوم، با کاهش انگیزه مدیران برای ارائه گزارشگری مالی نادرست. عامل دیگری که نقش کلیدی در عملکرد شرکت، کیفیت گزارش‌های مالی و در نهایت قابلیت مقایسه صورت‌های مالی دارد، نقش مدیر عامل و تغییر ناگهانی آن است. از این‌رو پژوهش حاضر به بررسی تأثیر فرهنگ شرکتی نافذ و تغییر ناگهانی مدیر عامل بر مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی می‌پردازد. بدین منظور داده‌های ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، با استفاده از روش نمونه‌گیری حذفی، طی دوره زمانی ۱۰ ساله (۱۳۹۳ تا ۱۴۰۲) تجزیه و تحلیل شده و فرضیه‌های پژوهش با استفاده از الگوی رگرسیون چند متغیره مبتنی بر داده‌های ترکیبی آزمون شده‌اند. نتایج برآورد مدل نشان می‌دهد که فرهنگ شرکتی نافذ، تأثیر مثبت و معناداری بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی دارد. یافته‌ها همچنین حاکی از آن است که با وجود تغییر ناگهانی مدیر عامل، فرهنگ شرکتی نافذ بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی تأثیر مثبت می‌گذارد. بطور کلی این پژوهش بر مزایای فرهنگ شرکتی نافذ و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی تأکید دارد. و مطابق با این استدلال می‌باشد که مدیران در شرکت‌هایی با فرهنگ شرکتی نافذ اقدامات فرصت‌طلبانه کمتری انجام می‌دهند و در نتیجه در مواجهه با رویدادهای اقتصادی مشابه، تصمیم‌گیری یکدست‌تر می‌شود. این چارچوب می‌تواند به توسعه و گسترش تحقیق در مورد نقش فرهنگ شرکتی نافذ در تأثیرگذاری بر رویه‌های حسابداری و کیفیت اطلاعات مالی کمک کند.

واژه‌های کلیدی: تغییر ناگهانی مدیرعامل، فرهنگ شرکتی نافذ، کیفیت صورت‌های مالی، مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی.

۱. دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. A.azizi@ase.ui.ac.ir

۲. دانشیار گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

N.Izadinia@ase.ui.ac.ir

۳. استاد گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. Foroghi@ase.ui.ac.ir

۱. مقدمه

مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی، از عوامل کلیدی در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و مبنای اتخاذ تصمیمات آگاهانه است (دی‌فرانکو و همکاران ۱، ۲۰۱۱). از این‌رو، شناسایی عوامل مؤثر بر مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی شرکت‌ها، اهمیتی ویژه دارد. آیا فرهنگ شرکتی نافذ می‌تواند همچون قطب‌نمایی، مسیر گزارشگری مالی را به سوی شفافیت و مقایسه‌پذیری هدایت کند؟ تغییر ناگهانی مدیرعامل چه تأثیری بر این مقایسه‌پذیری دارد؟ با توجه به اهمیت روزافزون نقش عوامل غیرمالی در عملکرد سازمان‌ها، محققان حسابداری نیز به مطالعه اثرات فرهنگ بر فرآیندهای حسابداری، به ویژه گزارشگری مالی، علاقه‌مند شده‌اند (زینگالس ۲، ۲۰۱۵). تحقیقات پیشین، به بررسی تنوع در فرهنگ شرکتی و اثرات آن بر رویه‌های حسابداری پرداخته‌اند. فرهنگ شرکتی، بر خلاف ارزش‌ها و هنجارهای عمیق فرهنگ ملی، ماهیتی وابسته به مسیر دارد و تحت تأثیر رویدادهای مهم سازمانی، دستخوش تغییر می‌شود (گراهام و همکاران ۳، ۲۰۲۲). از سوی دیگر، فرهنگ‌های شرکتی و ملی را می‌توان به عنوان سازه‌هایی جداگانه با تأثیرات متمایز در نظر گرفت (ویر و همکاران ۴، ۱۹۹۶). بنابراین، بررسی چگونگی و زمان تأثیرگذاری فرهنگ شرکتی بر رویه‌های حسابداری، امری ضروری است.

این مطالعه، به بررسی تأثیر فرهنگ شرکتی نافذ بر مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی می‌پردازد. فرهنگ سازمانی نافذ، با ابعادی چون نوآوری، شرافت، کیفیت، احترام و کارگروهی، بیانگر ارزش‌ها و هنجارهایی است که به طور گسترده توسط اعضای سازمان پذیرفته و حمایت می‌شوند و کنترل اجتماعی را تسهیل می‌کنند (سورنسن ۵، ۲۰۰۲). مقایسه‌پذیری نیز به عنوان یک ویژگی کیفی اساسی اطلاعات حسابداری، سودمندی آن را افزایش می‌دهد (هیأت استانداردهای حسابداری مالی ۶، ۲۰۱۰) و از طریق کاهش هزینه‌های کسب اطلاعات و بهبود کمیت و کیفیت اطلاعات موجود، محیط گزارشگری مالی شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (دی‌فرانکو و همکاران، ۲۰۱۱؛ کیم و همکاران ۷، ۲۰۱۳).

با تکیه بر این دیدگاه که فرهنگ شرکتی می‌تواند بر الگوهای گزارشگری مالی تأثیر بگذارد، استدلال می‌شود که فرهنگ شرکتی نافذ از دو طریق می‌تواند بر مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی اثر مثبت داشته باشد. نخست، فرهنگ سازمانی نافذ، اهداف و رویه‌های شرکت را شفاف می‌کند (سورنسن، ۲۰۰۲). هنگامی که شرکت‌ها با رویدادهای غیرمنتظره مواجه می‌شوند، چنین شفافیتی در مورد اهداف و رویه‌ها می‌تواند عدم قطعیت‌ها را کاهش دهد. این جنبه از فرهنگ شرکتی نافذ با

مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی مرتبط است، زیرا حسابداران و مدیران اغلب با رویدادهای غیرمنتظره مواجه می‌شوند و مجبور هستند انتخاب‌هایی انجام دهند که بر گزارش‌های حسابداری تأثیر می‌گذارد. زمانی که شرکت‌ها فرهنگ سازمانی نافذ داشته باشند، باعث می‌شود تا شرکت‌ها بتوانند تصمیمات را با یکنواختی بیشتر تحت مجموعه‌ای از رویدادهای اقتصادی غیرمنتظره اتخاذ کنند. این امر می‌تواند مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی را افزایش دهد. دوم، فرهنگ شرکتی نافذ می‌تواند با کاهش انگیزه مدیران در گزارشگری مالی نادرست، مقایسه‌پذیری را افزایش دهد. به عبارتی دیگر در شرکت‌های دارای فرهنگی نافذ، بعید است که مدیران شرکت‌ها اقدامات فرصت‌طلبانه‌ای انجام دهند که خطر بیشتری برای نقض اعتماد سازمانی یا فروپاشی هنجارهای شرکت داشته باشد (گوی‌سو و همکاران، ۸، ۲۰۱۵). در چنین شرکت‌هایی، مدیران در صورت مواجه با رویدادهای اقتصادی مشابه، تصمیمات گزارشگری مالی یکسانی اتخاذ می‌کنند که این همگونی در تصمیم‌گیری، منجر به افزایش مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی می‌شود (فرانسیس و همکاران، ۹، ۲۰۱۴).

تغییر مدیرعامل، به عنوان یکی از عوامل کلیدی در اداره هر شرکت، می‌تواند تأثیر بسزایی بر عملکرد شرکت و کیفیت گزارش‌های مالی، از جمله قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، داشته باشد (افضلی، ۱۰، ۲۰۲۳). بررسی نقش عملکرد مالی شرکت در تغییر مدیرعامل در ساختار شرکت‌های ایرانی، از این جهت اهمیت دارد که به تعیین میزان اهمیت عملکرد مالی مدیرعامل در ابقای وی، در مقایسه با سایر عوامل (مانند قدرت و سیاست‌های سازمانی) کمک می‌کند و می‌تواند منجر به شناسایی نقاط ضعف و ارائه راهکارهایی برای بهبود سیستم حاکمیت شرکتی شود.

بسیاری از محققان و صاحب‌نظران، بر این باورند که موفقیت و شکست سازمان‌ها، تنها به عواملی چون ساختار معاملات، تکنولوژی و تجهیزات محدود نمی‌شود، بلکه سازمان‌هایی با امکانات اندک، به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته‌اند، در حالی که سازمان‌هایی با توانایی‌های بسیار، نتایج مطلوبی کسب نکرده‌اند. تحقیقاتی نظیر پژوهش افضلی (۲۰۲۳) و دی‌فرانکو و همکاران (۲۰۱۱)، بر اهمیت فرهنگ سازمانی و مدیران لایق به عنوان عوامل اصلی پیشرفت تأکید کرده‌اند. معمولاً مدیران عامل، به دلایل مختلفی، از جمله عملکرد ضعیف (که یکی از شایع‌ترین دلایل برکناری است)، موقعیت خود را از دست می‌دهند (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۲). دلایل دیگر برای تغییر مدیرعامل می‌تواند شامل مرگ، بیماری، مسائل شخصی و فرصت‌های جدید باشد. این جابجایی‌های غیرمترقبه و ناگهانی، "تغییر ناگهانی مدیرعامل" نامیده می‌شوند. به نظر می‌رسد که

بهبود و ارتقای کیفیت و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، تحت تأثیر عواملی چون ساختار سازمانی، فرهنگ شرکتی و تغییر مدیران عامل باشد، اما تحقیقات انجام‌شده در این زمینه، محدود است. با توجه به مطالب فوق، هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر فرهنگ شرکتی نافذ و تغییر ناگهانی مدیرعامل بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی است و به دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر است:

آیا فرهنگ شرکتی نافذ بر مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی تأثیر مثبت دارد؟

آیا با وجود تغییر ناگهانی مدیر عامل، فرهنگ شرکتی نافذ بر مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی تأثیر مثبت دارد؟

به طور کلی تحقیقات پیشین گوی‌سو و همکاران (۲۰۱۵) فرهنگ شرکتی و بهبود عملکرد شرکت، پان و همکاران (۲۰۱۷) فرهنگ کنترل محور و تغییر مدیر عامل، گوگنموس و وندراستد (۲۰۲۰) فرهنگ‌های نوآورانه و مدیریت سود و بهنداری و همکاران (۲۰۲۲) فرهنگ مشارکتی و کیفیت گزارشگری مالی را بررسی نموده‌اند که این مطالعات یا مشروط به رفتار مدیران ارشد خارج از فضای شرکت است یا محدود به ارزیابی بُعد اخلاقی حسابداری هستند (به عنوان مثال، سوء رفتارهای شرکتی و مدیریت سود). لذا شواهد محدودی در مورد اینکه آیا فرهنگ شرکتی نافذ و تغییر ناگهانی مدیرعامل تأثیری بر گزارشگری مالی دارد یا خیر وجود دارد. بنابراین این مطالعه با بررسی اینکه چگونه فرهنگ شرکتی نافذ و تغییر ناگهانی مدیرعامل بر مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی تأثیر می‌گذارد، درصدد رفع این شکاف اطلاعاتی می‌باشد. نتایج این پژوهش با بررسی، تجزیه و تحلیل فرهنگ سازمانی نافذ می‌تواند به مدیران شرکت‌ها کمک کند تا با درک بهتر نقش فرهنگ شرکتی در گزارشگری مالی، سیاست‌های مناسبی را برای ارتقای کیفیت و مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی اتخاذ کنند. همچنین یافته‌های این مطالعه با بررسی تغییرات ناگهانی مدیر عامل، می‌تواند سرمایه‌گذاران را در ارزیابی دقیق‌تر اطلاعات مالی و تصمیم‌گیری‌های آگاهانه‌تر یاری رساند. بنابراین مطالعه حاضر از این حیث دارای نوآوری و دانش افزایی است.

در ادامه، مبانی فرهنگ سازمانی نافذ و ارتباط آن با قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، همچنین تأثیر تغییر ناگهانی مدیرعامل بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی به همراه پیشینه‌های نظری و تجربی بیان شده‌اند و به پشتوانه این موارد، به توسعه استدلالی فرضیه‌ها اقدام شده است. در بخش‌های بعدی مقاله، مدل‌سازی و گزینش متغیرها، روش‌شناسی، یافته‌ها، تفسیر نتایج، مقایسه مطالعاتی و پیشنهادها برای انجام پژوهش‌های آتی تشریح شده‌اند.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

اصطلاح "فرهنگ شرکتی" یا فرهنگ سازمانی از دهه ۱۹۶۰ در سازمان‌ها ظهور کرد و در دهه ۱۹۹۰ به طور گسترده‌ای شناخته شد. فرهنگ شرکتی در آن دوره‌ها توسط مدیران، جامعه‌شناسان و دیگر دانشگاهیان برای توصیف شخصیت یک شرکت استفاده می‌شد و در ادامه شامل موضوعات منشأ شرکتی می‌شود که توسط مدیران اجرایی کاریزماتیک (مدیرعامل) و همچنین نمادهای بصری مانند لوگوها و علائم تجاری ارائه می‌شوند (گوی‌سو و همکاران، ۲۰۱۵).

فرهنگ شرکتی یک نهاد غیررسمی است که ارزش‌ها و هنجارهای سازمان را شامل می‌شود (آریلی و چتمن ۱۴، ۱۹۹۶). اجزای فرهنگ شرکتی شامل باورها، رفتارهای تعمیم یافته، سیستم‌های ارزشی در سطح شرکت، استراتژی‌های مدیریت، ارتباطات و روابط کارکنان است. امروزه فرهنگ شرکتی با نام فرهنگ سازمانی شناخته شده است که می‌تواند مربوط به هر سازمانی باشد؛ خانواده‌ها یا ملت‌ها، سازمان‌ها و شرکت‌ها نیز دارای فرهنگ هستند. فرهنگ سازمانی سیستمی از پیش فرض‌ها، ارزش‌ها و باورهای مشترک بوده که بر رفتار افراد در سازمان‌ها حاکم است (درودی و کنگری، ۱۳۹۳).

در این متن به ابعاد مختلف فرهنگ شرکتی نافذ اشاره شده است که شامل نوآوری، شرافت، کیفیت، احترام و کار گروهی می‌باشد (کامران و کوئین ۱۵، ۲۰۰۶). مطابق مطالعه لی و همکاران ۱۶ (۲۰۲۱) فرهنگ سازمانی نافذ به عنوان متغیر شاخصی تعریف می‌شود که مجموع ارزش‌های فرهنگی پنجگانه (نوآوری، شرافت، کیفیت، احترام و کار گروهی) یک شرکت در چارک بالای تمام شرکت‌های نمونه در یک سال باشد. برای یافتن این ارزش بایستی یک فرهنگ لغت از این اصطلاحات و مترادف‌های آنها به استناد فرهنگ لغت دهخدا و فرهنگ لغت معین و راهنمایی گرفتن از متخصصان ادبیات و لغت‌شناسی، تهیه و تدوین شود که هر یک از این ابعاد در مبحث متغیرها تشریح می‌گردند.

تحقیقات پیشین (افضلی و همکاران^{۱۷}، ۲۰۲۰؛ مک گوایر و همکاران^{۱۸} ۲۰۱۲) عمدتاً تأثیر تفاوت‌های فرهنگی بین کشوری یا درون کشوری را بر فرآیندهای حسابداری بررسی می‌کنند. یک جریان مشابه و نسبتاً نوپا از ادبیات، تأثیر تفاوت‌های درون کشوری در ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای اجتماعی (مانند سرمایه اجتماعی یا دینداری) و تأثیر آنها بر کیفیت حسابداری و محافظه‌کاری حسابداری را بررسی می‌کند. در حالی که مطالعات بین فرهنگی در حسابداری گسترده است، تحقیقات در مورد تنوع در فرهنگ شرکتی و اثرات آن بر رویه‌های حسابداری

پراکنده است. فرهنگ شرکتی، برخلاف ارزش‌ها و هنجارهای عمیق فرهنگی ملی، وابسته به مسیر است و به دلیل رویدادهای مهم شرکتی در معرض تغییر است (گراهام و همکاران، ۲۰۲۲؛ گوی‌سو و همکاران، ۲۰۱۵؛ لی و همکاران، ۲۰۲۱). علاوه بر این، فرهنگ‌های شرکتی و ملی را می‌توان به عنوان سازه‌های جداگانه با تأثیرات متفاوت در نظر گرفت (وبر و همکاران، ۱۹۹۶). بررسی فرهنگ شرکتی و تأثیرات آن بر جنبه‌های مختلف سازمان، از جمله حسابداری و گزارشگری مالی، نشان دهنده اهمیت درک این مفهوم در راستای بهبود فرآیندهای مالی و مدیریتی در سازمان‌ها است.

با توجه به مطالب فوق، فرضیه اول پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شود:

فرضیه اول: فرهنگ شرکتی نافذ بر مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی تأثیر مثبت دارد.

مدیر عامل در هر شرکتی به عنوان رهبری کلیدی نقش دارد. در شرکت‌های کوچک و متوسط، مدیر عامل معمولاً همه‌کاره است، در حالی که در شرکت‌های بزرگ، این فرد از سوی هیأت مدیره برای هدایت و کنترل شرکت انتخاب می‌شود. به همین دلیل تغییر مدیر عامل می‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر روی اداره شرکت و به ویژه عملکرد مالی آن داشته باشد (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۲). از جمله مسائل مهمی که به دلیل رسوایی‌های مالی اخیر در سطح شرکت‌های مطرح و بزرگ دنیا توجه زیادی را به خود جلب نموده، موضوع تغییر مدیران عامل آنها بوده است. این مهم، علاوه بر تعیین اهمیت عملکرد مالی مدیر عامل در ابقاء وی، در قیاس با سایر عوامل مانند قدرت و سیاست‌های سازمانی، می‌تواند منجر به شناسایی نقاط ضعف و توسعه دستورالعمل‌ها و رهنمودهایی برای بهبود سیستم حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها و سازمان‌ها شود (خداپرست و همکاران، ۱۳۹۱).

شواهد قبلی حاکی از آن است ابزار کلیدی در در اداره شرکت، فرهنگ شرکتی نافذ است که رفتار مدیران در آن نقش اساسی دارد (بیگ‌رستاف و همکاران^{۱۹}، ۲۰۱۵؛ دیویدسون و همکاران^{۲۰}، ۲۰۱۵). تغییر مدیر عامل می‌تواند منجر به تغییر در فرهنگ شرکتی شود و این تغییر می‌تواند تأثیر مثبت یا منفی بر مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی داشته باشد. بنابراین تغییر ناگهانی مدیر عامل که شرکت‌ها را به سمت فرهنگ شرکتی نافذتر سوق می‌دهد، به طور مثبت بر مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی پس از تغییر مدیرعامل تأثیر می‌گذارد. (افضلی، ۲۰۲۳). یافته‌ها مطابق با این استدلال می‌باشد که مدیران در شرکت‌هایی با فرهنگ شرکتی نافذ اقدامات فرصت‌طلبانه کمتری انجام می‌دهند و در نتیجه در مواجهه با رویدادهای اقتصادی مشابه، تصمیم‌گیری یکدست‌تر می‌شود. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تقویت فرهنگ شرکتی می‌تواند به کاهش هزینه‌های

کسب اطلاعات و افزایش مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی کمک کند. این نکات می‌توانند به عنوان یک بنیاد برای استراتژی‌های مدیریتی و بهبود سیستم‌های حاکمیت شرکتی در نظر گرفته شوند. با توجه به مطالب فوق، فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شود:

فرضیه دوم: با وجود تغییر ناگهانی مدیر عامل، فرهنگ شرکتی نافذ بر مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

در ادامه پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام شده در این زمینه بررسی و تشریح می‌شود: افضل (۲۰۲۳) پژوهشی با عنوان "فرهنگ شرکتی و مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی" ارائه نموده است. در این پژوهش، به طور تجربی تأثیر فرهنگ شرکتی (یکپارچگی، نوآوری، کار تیمی، احترام و کیفیت) بر مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی مورد بررسی قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که شرکت‌هایی با فرهنگ شرکتی نافذ، مقایسه‌پذیری حسابداری بیشتری در سطح هم‌تایان خود و صنعت دارند. تحلیل‌های بیشتر نشان می‌دهد که تغییر ناگهانی مدیر عامل که شرکت را به سمت یک فرهنگ شرکتی نافذتر سوق می‌دهد به طور مثبت بر مقایسه‌پذیری حسابداری پس از جابجایی تأثیر می‌گذارد.

بهنداری و همکاران (۲۰۲۲) چهار بعد فرهنگ شرکتی را بر اساس چارچوب ارزش‌های رقابتی مطالعه کردند و دریافتند که فرهنگ‌های مشارکت محور (یا رقابت محور) در مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و ارائه مجدد صورت‌های مالی بیشتر (یا کمتر) مشارکت دارند. این نتایج مبتنی بر این تصور است که فرهنگ‌های مشارکتی ممکن است سیستم‌های کنترل رسمی ناکارآمدی داشته باشند که گزارشگری نادرست شرکت را تحریک می‌کنند. برخلاف این، رقابت می‌تواند چنین انگیزه‌هایی را کاهش دهد و در نتیجه احتمال سوء رفتار مالی کمتر شود.

چن و همکاران^{۲۱} (۲۰۲۲) دریافتند که شرکت‌هایی با فرهنگ شرکتی مشارکتی هزینه‌های حسابرسی کمتری را پرداخت می‌کنند. آنها استدلال می‌کنند که از آنجایی که فرهنگ‌های مشارکتی همکاری بین کارکنان را تشویق می‌کند، منجر به گزارش بیشتر خطاها و کاهش ریسک قانونی می‌شوند.

لی و همکاران (۲۰۲۱) پژوهشی با عنوان "اندازه‌گیری فرهنگ سازمانی با استفاده از یادگیری ماشینی" ارائه کردند. آنها با ایجاد یک فرهنگ لغت به پنج ارزش فرهنگ شرکتی شامل: نوآوری، یکپارچگی، کیفیت، احترام و کار تیمی امتیاز دادند. نتایج نشان داد که فرهنگ نوآورانه گسترده‌تر از معیارهای معمول نوآوری شرکت، هزینه‌های تحقیق و توسعه و تعداد اختراعات ثبت شده است.

علاوه بر این فرهنگ شرکتی با نتایج کسب و کار، از جمله کارایی عملیاتی، ریسک‌پذیری، مدیریت سود، طراحی پاداش اجرایی، ارزش شرکت، و انجام معامله مرتبط است، و این که پیوند فرهنگ- عملکرد در زمان‌های بد بارزتر است. در نهایت، شواهد پیشنهادی ارائه کردند که نشان می‌دهد فرهنگ شرکتی توسط رویدادهای بزرگ شرکتی، مانند ادغام و تحصیل، شکل می‌گیرد.

گوگنموس و وندر استد (۲۰۲۰) در یک محیط آزمایشی نشان می‌دهند که ابعاد فرهنگی خلاقیت و نوآوری تمایل به پیامدهای منفی ناخواسته برای گزارشگری مالی دارند. آنها از مطالعات قبلی در روانشناسی استفاده می‌کنند که نشان می‌دهد چگونه خلاقیت می‌تواند منجر به رفتار گزارشگری نادرست شود و متوجه می‌شوند که مدیران در شرکت‌هایی با فرهنگ شرکتی خلاق‌تر در مدیریت سود واقعی بیشتر مشارکت می‌کنند. این نتیجه عمدتاً بر اساس این مفهوم تفسیر می‌شود که خلاقیت و نوآوری پذیرش ریسک بیشتری را در بین مدیران القا می‌کند و منجر به تصمیم‌گیری‌های مالی پرخطرتر در قالب مدیریت سود واقعی می‌شود.

چن و همکاران (۲۰۱۸) پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیر مقایسه‌پذیری حسابداری بر تصمیمات تخصیص سرمایه، به طور خاص ادغام و تحصیل" انجام دادند. آنها به این نتیجه رسیدند که مقایسه‌پذیری حسابداری غنای مجموعه اطلاعات شرکت‌های سرمایه‌پذیر را فراهم می‌نماید که شرکت‌های تحصیل‌کننده اطلاعات می‌توانند در پیش‌بینی بهتر جریان نقد آتی، درک بهتر از رویدادهای اقتصادی و ارزیابی بهتر شرکت‌های سرمایه‌پذیر نسبت به دیگران داشته باشند. آنها همچنین وجود رابطه مثبت بین مقایسه‌پذیری بالای شرکت‌های سرمایه‌پذیر، با بازده بالای بازار در تاریخ اعلام تحصیل و هم‌افزایی بالاتر را تایید نمودند. در نهایت بررسی آنها بیان کرد، هنگامی که شرکت‌های سرمایه‌پذیر دارای اطلاعات حسابداری مقایسه‌پذیرتری باشند، شرکت‌های تحصیل‌کننده می‌توانند به سطح عملکرد عملیاتی بهتری دست یابند.

چوئی و همکاران^{۲۲} (۲۰۱۸) پژوهشی با عنوان "قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و محتوای اطلاعاتی قیمت‌های سهام در رابطه با سودهای آتی" انجام دادند. یافته‌های پژوهش این محققان بیانگر آن است که ضریب واکنش سودهای آتی در مورد شرکت‌هایی که صورت‌های مالی آن‌ها قابلیت مقایسه بیشتری با شرکت‌های هم صنعت دارد، بیشتر بوده و تأثیر قابلیت مقایسه بر ضریب واکنش سودهای آتی مربوط به سودمندی قابلیت مقایسه در افزایش توان سرمایه‌گذاران برای پیش‌بینی اطلاعات خاص شرکت است.

محمدی (۱۴۰۳) پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیر فرهنگ شرکتی بر گزارشگری مالی و

مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی" ارائه کرد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که رابطه مثبت و معناداری بین فرهنگ شرکتی و عملکرد شرکت‌ها و مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی وجود دارد.

مرادی و همکاران (۱۴۰۳) پژوهشی با عنوان "فرهنگ شرکتی و مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی" ارائه کردند. یافته‌های پژوهش آنان مطابق با این استدلال می‌باشد که مدیران با فرهنگ شرکتی اقدامات فرصت طلبانه کمتری انجام می‌دهند و در نتیجه در مواجهه با رویدادهای اقتصادی مشابه، تصمیم‌گیری یکدست‌تر می‌شود. همچنین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، احتمال گزارشگری متقلبانه در شرکت‌ها را کاهش می‌دهد

حسین عبدالله و همکاران (۱۴۰۱) پژوهشی با عنوان "بررسی اثر فرهنگ شرکتی بر عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط ایران و عراق با توجه به نقش واسطه‌گریش به کارآفرینی و نقش تعدیل‌گر فرهنگ ملی" ارائه کردند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که رابطه مثبت و معناداری بین فرهنگ شرکتی و عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط ایرانی و عراقی وجود دارد.

هاشمی دهچی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی "تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری با تأکید بر نقش سرمایه‌گذاران متخصص و عدم تقارن اطلاعاتی" پرداختند. نتایج حاصل از برآورد مدل پژوهش حاکی از آن است که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مربوط بودن، تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین بر اساس یافته‌های پژوهش، زمانی که سرمایه‌گذاران متخصص زیاد هستند، تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری افزایش می‌یابد. و زمانی که عدم تقارن اطلاعاتی پایین است، تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری افزایش می‌یابد.

فروغی و قاسم‌زاد (۱۳۹۴) به بررسی "تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی به عنوان یکی از ویژگی‌های کیفی گزارشگری مالی بر ضریب واکنش سودهای آتی" پرداختند و به این نتیجه رسیدند که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی باعث افزایش ضریب واکنش سودهای آتی می‌شود. همچنین، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی باعث انعکاس میزان بیشتری از اطلاعات خاص شرکت در قیمت جاری سهام می‌شود.

۳. روش پژوهش

در این پژوهش، به بررسی تأثیر فرهنگ شرکتی نافذ و تغییر ناگهانی مدیر عامل بر مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی پرداخته می‌شود. از آنجا که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی همواره

در سایه تدوین استانداردهای حسابداری منطبق بر آخرین تحولات مربوط به ویژگی‌های کیفی میسر می‌شود، نتایج پژوهش فعلی می‌تواند شواهدی مفیدی فراهم کند تا در تدوین استانداردها به مفاهیم مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی توجه شود و اهمیت اطلاعات غیرمالی و پیامدهای آن را مشخص کند، بر مبنای هدف، از نوع تحقیقات کاربردی است و از لحاظ ماهیت، جزء پژوهش‌های توصیفی-همبستگی مبتنی بر رگرسیون خطی چند متغیره به شمار می‌رود. همچنین با توجه به اینکه پژوهش‌گر هیچگونه دخالتی در کنترل و تغییر مقادیر متغیرها ندارد، از لحاظ فرآیند گردآوری داده‌ها، از نوع پس رویدادی (از طریق اطلاعات گذشته) طبقه‌بندی می‌شود. طرح پژوهش نیز از نوع شبه تجربی و ساختار داده‌ها شامل داده‌های ترکیبی با نحوه چینش شرکت-سال است. همچنین، با توجه به اینکه تجزیه و تحلیل پژوهش حاضر مبتنی بر اطلاعات واقعی صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام می‌شود، از نظر تئوریک در حوزه پژوهش‌های اثباتی و از نظر استدلال در حوزه پژوهش‌های استقرایی قرار می‌گیرد. جامعه آماری پژوهش حاضر از کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران که طی دوره زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۲ صورت‌های مالی خود را ارائه کرده‌اند، تشکیل می‌شود. از آنجایی که جهت محاسبه برخی متغیرهای پژوهش نیاز به اطلاعات سه سال قبل می‌باشد به همین منظور داده‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ نیز گردآوری شد. نمونه آماری این پژوهش نیز به روش غربالگری از میان شرکت‌های مذکور انتخاب شده است؛ در راستای امکان‌پذیری انجام پژوهش، حفظ قابلیت مقایسه و اعتبار هرچه بیشتر آن، شرکت‌هایی که دارای شرایط زیر نبوده‌اند، از فرآیند بررسی کنار گذاشته شده است:

- ۱- شرکت‌هایی که تا پایان سال ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته‌شده باشند.
 - ۲- طی سالهای مالی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ نماد معاملاتی آنها از تابلوی بورس خارج نشده باشد و همچنین دارای وقفه معاملاتی طولانی نباشند.
 - ۳- در زمره شرکت‌های بیمه، لیزینگ، هلدینگ، بانکها، سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی به دلیل متفاوت بودن ماهیت فعالیت آنها قرار نگرفته باشند.
 - ۴- اطلاعات مورد نیاز جهت انجام این پژوهش در مورد آنها وجود داشته باشد.
- با توجه به شرایط و محدودیت‌های فوق، از بین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، درمجموع ۱۱۰ شرکت مطابق نگاره شماره (۱) انتخاب و از نرم‌افزارهای اکسل و ایوبوز نسخه ۱۳ به منظور تخمین مدل‌ها استفاده شده است.

نگاره (۱): چگونگی انتخاب نمونه

۳۹۶	تعداد کل شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران تا پایان سال ۱۴۰۲
۹۷	شرکت‌هایی که سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه نبوده است یا تغییر سال مالی داشته‌اند
۹۳	شرکت‌های صنایع واسطه‌گری مالی و سرمایه‌گذاری و ...
۴۳	شرکت‌هایی که وقفه معاملاتی سهام بیشتر از شش ماه داشته‌اند
۵۳	شرکت‌هایی که اطلاعات آن‌ها به طور کامل در دسترس نبوده است
۱۱۰	تعداد شرکت‌های نمونه

در ادامه متغیرهای پژوهش توضیح داده می‌شود.

۳.۱. متغیرهای پژوهش

در این پژوهش از متغیرهای وابسته، مستقل، تعدیل‌گر و کنترلی استفاده شده است که در ادامه به تشریح آن‌ها پرداخته می‌شود.

۳.۱.۱. متغیر وابسته پژوهش

متغیر وابسته این پژوهش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی است که برای اندازه‌گیری آن از مدل ارائه شده توسط دی‌فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) استفاده شده است. در این مدل دو شرکت زمانی مشابه در نظر گرفته می‌شوند که برای یک مجموعه از رویدادهای اقتصادی یکسان (مثل بازده) گزارش مالی (مثل سود حسابداری) مشابه ارائه نمایند. برای اندازه‌گیری قابلیت مقایسه بین دو شرکت i و j به شرح زیر عمل می‌شود:

ابتدا برای هر شرکت-سال مدل رگرسیونی به شرح رابطه (۱) با استفاده از داده‌های ترکیبی سری زمانی (شش‌ماهه) برای دوره ۴ سال اخیر منتهی به پایان سال t برآورد می‌شود.

$$Earning_{i,k} = \alpha_{i,t} + \beta_{i,t} Return_{i,k} + \varepsilon_{i,k} \quad \text{رابطه (۱)}$$

که در آن:

$Earning_{i,k}$: سود خالص شرکت i در شش‌ماهه k تقسیم بر ارزش بازار سهام شرکت در ابتدای شش‌ماهه.

$Return_{i,k}$: بازده سهام شرکت i در شش‌ماهه k .

ضرایب برآورد شده از رابطه (۱) برای هر شرکت-سال به عنوان معیاری از عملیات حسابداری

آن شرکت است؛ یعنی α_i و β_i نشان‌دهنده عملیات حسابداری شرکت i و ضرایب α_j و β_j نشان‌دهنده عملیات حسابداری شرکت j است. شباهت بین عملیات حسابداری دو شرکت میزان قابلیت مقایسه بین دو شرکت را نشان می‌دهد. به منظور برآورد تفاوت بین عملیات حسابداری دو شرکت i و j از مفهوم قابلیت مقایسه (ارائه گزارش‌های مشابه در مورد یک مجموعه رویداد مشابه) استفاده می‌شود. لذا در هر سال با استفاده از رابطه‌های (۲) و (۳) سود دو شرکت به طور جداگانه با استفاده از ضرایب خاص خود شرکت ولی با بازده شرکت i (رویداد مشابه) برای دوره زمانی مشابه با دوره زمانی، رابطه (۴) پیش‌بینی می‌شود.

$$E(Earning)_{ii,k} = \hat{\alpha}_i + \hat{\beta}_i Return_{i,k} \quad \text{رابطه ۲}$$

$$E(Earning)_{ij,k} = \hat{\alpha}_j + \hat{\beta}_j Return_{i,k} \quad \text{رابطه ۳}$$

در این رابطه‌ها:

$E(Earning)_{ii,k}$: سود پیش‌بینی‌شده برای شرکت i و شش‌ماهه k با استفاده تابع حسابداری

شرکت i و بازده شرکت i

$E(Earning)_{ij,k}$: سود پیش‌بینی‌شده برای شرکت j و شش‌ماهه k با استفاده تابع حسابداری

شرکت j و بازده شرکت i

سپس قابلیت مقایسه بین دو شرکت i و j در سال t از طریق رابطه (۴) محاسبه می‌شود:

$$CompAcc_{ij,t} = \frac{-I}{8} \sum_{k=7}^k |E(Earning)_{ii,k} - E(Earning)_{ij,k}| \quad \text{رابطه ۴}$$

$CompAcc_{ij,t}$ نشان‌دهنده قابلیت مقایسه بین دو شرکت i و j در سال t است.

با توجه به اینکه مقادیر بزرگ‌تر این شاخص بیانگر قابلیت مقایسه بالاتر بین شرکت i و شرکت j است، قابلیت مقایسه برابر با میانگین چهار عدد بزرگ‌تر $CompAcc_{ij,t}$ های محاسبه‌شده برای شرکت i با شرکت‌های j هم صنعت است.

۳.۱.۲. متغیر مستقل پژوهش

این پژوهش به پیروی از مطالعه افضلی (۲۰۲۳) دارای یک متغیر مستقل فرهنگ شرکتی نافذ است که نحوه اندازه‌گیری آن به شرح زیر است:

ابتدا یک فرهنگ لغات مطابق نگاره شماره (۲) برای هر یک از پنج بعد فرهنگی، با مترادف‌هایی که در "فرهنگ لغت دهخدا" و "فرهنگ لغت معین" و راهنمایی گرفتن از

"متخصصان ادبیات و لغت‌شناسی"، برای آنها تعریف شده است، ایجاد و با استفاده از مدل‌های یادگیری ماشین لی و همکاران (۲۰۲۱) گزارش هیأت مدیره را تجزیه و تحلیل و تعداد دفعاتی که هر کلمه مرتبط با بعد فرهنگی در گزارش هیأت مدیره ظاهر شده، به کمک برنامه Textify To Text مورد محاسبه قرار می‌گیرد.

پس از آن با استفاده از رابطه (۵) فراوانی وزنی کلمات کلیدی هر بُعد فرهنگ شرکتی محاسبه می‌شود.

$$TF - IDF_{ik} = \frac{1 + \log(\text{keyword count}_{ik})}{\log(\text{word count}_k)} \quad \text{رابطه (۵)}$$

$TF - IDF_{ik}$ فراوانی وزنی بُعد i ام برای شرکت k می‌باشد.

$\text{keyword count}_{ik}$ تعداد کلمات بُعد i ام گزارش هیأت مدیره برای شرکت k می‌باشد.

word count_k تعداد کل کلمات گزارش هیأت مدیره شرکت k می‌باشد.

نگاره (۲): ابعاد فرهنگ شرکتی

ابعاد فرهنگ شرکتی	مترادف ابعاد فرهنگ شرکتی
نوآوری	نوآوری، ابتکار، ابداع، اختراع، بدعت و نوآفرینی
شرافت	پاسخگویی، اخلاق، صداقت، مسئولیت و شفافیت
کیفیت	کیفیت، چگونگی، چونی، حال، وضع و وضعیت
احترام	جذب، توانمندسازی و حفظ کارکنان با استعداد
کار گروهی	همدستی، همکاری، مشارکت و کارگروهی

آنگاه با استفاده از مطالعه لی و همکاران (۲۰۲۱) مجموع هر پنج بعد فرهنگ شرکتی را از رابطه (۶) برای هر شرکت محاسبه می‌شود.

$$culture_k = \sum_{i=1}^5 (TF - IDF)_{ik} \quad \text{رابطه (۶)}$$

$culture_k$ فرهنگ شرکتی شرکت k می‌باشد.

سپس با استفاده از رابطه (۷) اطلاعات حاصله را چارک‌بندی و شرکت‌های واقع در چارک چهارم مشخص می‌شوند.

$$Q_{3k} = \frac{3(N+1)}{4} \quad \text{رابطه (۷)}$$

در نهایت اگر مقدار بدست آمده از رابطه (۶) برای هر شرکت در چارک چهارم شرکت‌های

نمونه در یک سال باشد، بعنوان فرهنگ شرکتی نافذ لحاظ و به آن مقدار یک داده شده و در غیر این صورت صفر لحاظ می‌گیرد.

۳.۱.۳. متغیر تعدیل گر پژوهش

متغیر تعدیل گر این پژوهش تغییر ناگهانی مدیر عامل است که اندازه‌گیری آن به این شرح است: همانطور که در بیان مسئله تشریح گردید، تغییر مدیر عامل می‌تواند بدلیل مرگ، بیماری، مسائل شخصی و فرصت‌های جدید باشد. این جابجایی‌های نادر ناگهانی هستند زیرا تغییر در مدیرعامل تقریباً فوری است و دلایل زمینه‌ای فرهنگ شرکتی ندارد. بنابراین اندازه‌گیری آن منوط به تغییر مدیر عامل به دلایل مرگ، بیماری، مسائل شخصی و فرصت‌های جدید قید شده در گزارشات هیأت مدیره است. چنانچه تغییر مدیرعامل به دلایل مذکور باشد برابر ۱ در غیر اینصورت برابر صفر خواهد بود که در ادامه نحوه اندازه‌گیری آن‌ها توضیح داده خواهد شد.

۳.۱.۴. متغیرهای کنترلی پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های این پژوهش از متغیرهای کنترلی به شرح زیر استفاده شده است: اندازه: اندازه شرکت برابر است با لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی‌ها. نسبت ارزش بازار به دفتری: به عنوان ارزش بازار حقوق صاحبان سهام تقسیم بر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام محاسبه می‌شود. اهرم مالی: معادل مجموع بدهی تقسیم بر کل دارایی‌هاست. اندازه شرکت حسابرسی: اگر شرکت توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی شود، برابر ۱ و در غیر این صورت صفر است.

متغیر زیان: اگر شرکت زیان گزارش کرده باشد، برابر ۱ و در غیر این صورت صفر است. انحراف معیار رشد فروش: انحراف معیار رشد فروش طی سه سال گذشته. جهت آزمون فرضیه اول به پیروی از پژوهش افضلی (۲۰۲۳)، از رابطه (۸) استفاده شده که در این مدل به بررسی تأثیر فرهنگ شرکتی نافذ بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی پرداخته شده است.

$$\text{CompAcc}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{StrongCulture}_{i,t} + \beta_2 \text{Size}_{i,t} + \beta_3 \text{MTB}_{i,t} + \beta_4 \text{Leverage}_{i,t} + \beta_5 \text{ASize}_{i,t} + \beta_6 \text{LossProb}_{i,t} + \beta_7 \text{SDSaleGrowth}_{i,t} + \varepsilon_{it} \quad (\text{رابطه ۸})$$

که در آن، CompAcct معیار مقایسه‌پذیری؛ Strong Culture یک متغیر مستقل فرهنگ

شرکتی نافذ؛ SIZE اندازه شرکت؛ MTB نسبت ارزش بازار به دفتری؛ Leverage نسبت مجموع بدهی به کل دارایی‌ها؛ ASize اندازه شرکت حسابرسی؛ Loss Prob زیان شرکت و SD Sales Growth انحراف معیار رشد فروش می‌باشند.

برای آزمون فرضیه دوم نیز به پیروی از پژوهش افضلی (۲۰۲۳)، از رابطه (۹) استفاده شده است. متغیر اصلی مورد بررسی عبارت تعاملی بین Sudden CEO و Strong Culture Turnovers است، در حالی که متغیرهای کنترل همان مجموعه‌ای از متغیرهای کنترلی است که در رابطه (۸) تعریف شده است.

$$\begin{aligned} CompAcc_{i,t} = & \beta_0 + \beta_1 StrongCulture_{i,t} + \beta_2 Sudden\ CEO\ Turnovers_{i,t} \\ & + \beta_3 StrongCulture \times Sudden\ CEO\ Turnovers_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 MTB_{i,t} \quad \text{(رابطه ۹)} \\ & + \beta_5 Leverage_{i,t} + \beta_6 ASize_{i,t} + \beta_7 LossProb_{i,t} + \beta_8 SDSaleGrowth_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

که در آن: Sudden CEO Turnovers تغییر ناگهانی مدیر عامل و شرح مابقی متغیرها در مدل (۸) بیان گردیده است.

۴. یافته‌های پژوهش

آماره‌های توصیفی و توزیع فراوانی داده‌های پژوهش که بیانگر شمایی کلی از وضعیت توزیع داده‌ها است، در جداول شماره (۳) و (۴) ارائه شده‌اند. تعداد مشاهدات در این جداول برای هر متغیر برابر با ۱۱۰۰ مشاهده است.

مطابق نتایج نگاره شماره (۲) میانگین و میانه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی به ترتیب ۰/۰۶۴۱۰۸- و ۰/۰۳۹۴۹۹- است که مقادیر بزرگتر از میانگین بیانگر قابلیت مقایسه بیشتر است. نزدیکی مقدار میانگین و میانه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی نشان از توزیع تقریباً نرمال این متغیر دارد که مشابه با پژوهش‌های قبلی همچون فروغی و قاسم‌زاد (۱۳۹۴) و هاشمی‌ده‌چی و همکاران (۱۴۰۰) است ولی با پژوهش رابرت، سانگوان و پریانکا^{۲۶} (۲۰۱۸) تفاوت دارد. همان‌طور که در نگاره (۲) نیز مشاهده می‌شود، نزدیکی میانه و میانگین بیانگر این موضوع است که همه متغیرهای بررسی شده دارای توزیع آماری مناسبی هستند. انحراف معیار یکی از مهمترین پارامترهای پراکندگی است. انحراف معیار نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام ۶/۰۷۷۱۱۱ و انحراف معیار قابلیت مقایسه صورت‌های مالی ۰/۱۰۶۱۸۳ است که نشان می‌دهد در بین متغیرهای پژوهش، این دو متغیر به ترتیب بیشترین و کمترین میزان پراکندگی را دارند.

نگاره ۳: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میان	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی	کشدگی
Com	-۰/۰۶۴۱۰۸	-۰/۰۳۹۴۹۹	-۰/۰۰۲۳۴۲	-۰/۰۸۵۰۶۶۹	۰/۱۰۶۱۸۳	-۴/۸۵۹۰۳۵	۲۸/۵۲۹۶۵
SIZE	۱۵/۳۳۰۴۳	۱۵/۰۶۲۱۵	۲۱/۸۹۹۴۹	۱۱/۲۵۲۶۰	۱/۶۷۴۲۹۸	۰/۸۰۰۸۱۲	۳/۹۵۸۷۳۹
MTB	۵/۰۱۵۱۲۴	۳/۴۶۳۲۲۵	۴۹/۶۳۴۸۴	-۳۲/۹۵۳۴۵	۶/۰۷۷۱۱۱	۲/۱۷۵۵۳۴	۱۸/۴۵۶۱۸
Leverage	۰/۵۳۸۷۳۴	۰/۵۳۳۲۱۲	۲/۰۲۴۱۷۱	۰/۰۱۷۴۶۶	۰/۲۲۲۷۳۲	۰/۶۴۲۲۹۸	۵/۸۶۶۵۷۹
SD Sales Growth	۰/۳۷۷۹۳۳	۰/۲۹۴۱۳۱	۱/۹۴۸۸۴۲	۰/۰۲۴۰۰۹	۰/۲۹۲۶۷۵	۲/۲۶۰۱۸۲	۹/۲۰۰۱۳۹

منبع: یافته‌های پژوهش

مطابق نتایج ارائه شده در نگاره (۴)، تعداد ۲۶۵ شرکت-سال دارای فرهنگ شرکتی نافذ هستند. فراوانی نسبی فرهنگ شرکتی نافذ حاکی از آن است که ۲۴/۱ درصد شرکت‌های نمونه دارای فرهنگ شرکتی نافذی هستند. این در حالی‌ست که ۵۵ شرکت-سال تغییر ناگهانی مدیر عامل را تجربه کرده‌اند. به عبارتی ۵ درصد از شرکت‌های نمونه تغییر ناگهانی مدیر عامل داشته‌اند.

نگاره ۴: توزیع فراوانی متغیرهای صفر و یک پژوهش

متغیر	نماد	کل مشاهدات	F ₁	F ₀	f ₁	f ₀
فرهنگ شرکتی نافذ	Strong Culture	۱۱۰۰	۲۶۵	۸۳۵	۰/۲۴۱	۰/۷۵۹
تغییر ناگهانی مدیر عامل	Sudden CEO Turnovers	۱۱۰۰	۵۵	۱۰۴۵	۰/۰۵	۰/۹۵
توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی شود	A Size	۱۱۰۰	۳۳۹	۷۶۱	۰/۳۰۸	۰/۶۹۲
زیان شرکت	Loss Prob	۱۱۰۰	۸۸	۱۰۱۲	۰/۰۸	۰/۹۲

منبع: یافته‌های پژوهش

۴.۱. تجزیه و تحلیل فرضیه اول

فرضیه اول پژوهش بدین شرح است: فرهنگ شرکتی نافذ بر مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی تأثیر مثبت دارد.

برای آزمون فرضیه اول پژوهش از رابطه (۸) استفاده شده است. در نگاره شماره (۵) نتیجه آزمون فرضیه اول پژوهش نشان داده شده است. به منظور تعیین نوع داده‌های ترکیبی، از آزمون اف

لیمر و هاسمن استفاده شده است. نتایج بیانگر داده‌های تابلویی با اثرات ثابت است.

نگاره شماره (۵): نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

$CompAcc_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 StrongCulture_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 MTB_{i,t} + \beta_4 Leverage_{i,t} + \beta_5 ASize_{i,t} + \beta_6 LossProb_{i,t} + \beta_7 SDSaleGrowth_{i,t} + \varepsilon_{it}$					
VIF	prob	آماره t	خطای استاندارد	ضرایب	متغیر
-	۰/۰۰۰۲	-۳/۷۴۵۵	۰/۰۰۸۹	-۰/۰۳۳۴	ضریب ثابت
۱/۰۱	۰/۰۴۳۰	۲/۰۲۵۸	۰/۰۰۱۵	۰/۰۰۳۱	Strong Culture
۱/۰۵	۰/۰۰۰۱	-۳/۸۶۳۷	۰/۰۰۰۵	-۰/۰۰۲۲	Size
۱/۰۲	۰/۸۹۸۶	-۰/۱۲۷۴	۰/۰۰۰۰۰۸	-۰/۰۰۰۰۰۱	MTB
۱/۱۲	۰/۷۹۷۷	-۰/۲۵۶۳	۰/۰۰۳۹	-۰/۰۰۱۰	Leverage
۱/۰۰	۰/۳۷۴۹	-۰/۸۸۷۶	۰/۰۰۱۱	-۰/۰۰۱۰	A Size
۱/۱۶	۰/۰۰۰۰	-۴/۲۷۰۲	۰/۰۰۲۴	-۰/۰۱۰۶	Loss Prob
۱/۰۳	۰/۰۰۰۰	۴/۰۹۶۲	۰/۰۰۲۷	۰/۰۱۱۲	SD Sale Growth
۰/۰۰۰۰		۱۶/۱۳۵۱			آماره F فیشر
۰/۰۰۰۰		۷/۳۴۷			آماره F لیمر
۰/۰۰۰۰		۳۱/۵۶۰			آماره هاسمن
۰/۰۰۰۰		۲۵۶۱/۴۰۱			آماره نسبت راست‌نمایی
۱/۷۸۶۱		آماره دوربین واتسون		۰/۶۱۵۲	ضریب تعیین تعدیل شده
۱۰۹۹					تعداد مشاهدات

منبع: یافته‌های پژوهش

برای تأیید فرضیه اول انتظار می‌رود ضریب (β_1) مثبت و معنادار باشد. نتایج نشان می‌دهد ضریب فرهنگ شرکتی نافذ مثبت ($0/0031$) و سطح معناداری این متغیر کمتر از ۵ درصد است. این موضوع بدین مفهوم است که با افزایش یک واحد در فرهنگ شرکتی نافذ، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی $0/31$ درصد افزایش می‌یابد. این یافته‌ها بیانگر این موضوع است که تأثیر فرهنگ شرکتی نافذ بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی مثبت است و با توجه به سطح معناداری حاصل

شده، فرضیه اول در سطح خطای پنج درصد پذیرفته شده است.

در بین متغیرهای کنترلی، انحراف معیار رشد فروش با مقایسه پذیری صورت‌های مالی رابطه مثبت دارد و اندازه شرکت و زیان شرکت بر مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی تأثیر منفی دارد. معناداری آماره اف فیشر (۱۶/۱۳۵۱) نشان دهنده معناداری کل رابطه (۸) است. مقدار آماره دوربین واتسون بیانگر این موضوع است که باقیمانده‌های رابطه (۸) مشکل خودهمبستگی ندارند. مقادیر آماره تورم واریانس (VIF) نشان می‌دهد در بین متغیرهای مستقل رابطه (۸) مشکل هم خطی وجود ندارد. همچنین معناداری آماره نسبت راست نمایی نشان دهنده وجود مشکل ناهمسانی واریانس بین اجرای اخلاص رابطه (۸) است که برای رفع این مشکل از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته استفاده شده است. همچنین بر اساس ضریب تعیین تعدیل‌شده، ۶۱ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط مجموع متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می‌شود.

۴.۲. تجزیه و تحلیل فرضیه دوم

فرضیه دوم پژوهش بدین شرح است: با وجود تغییر ناگهانی مدیر عامل، فرهنگ شرکتی نافذ بر مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد. برای آزمون فرضیه دوم پژوهش از رابطه (۹) استفاده شده است. در نگاره شماره (۶) نتیجه آزمون فرضیه دوم پژوهش نشان داده شده است.

نگاره شماره (۶): نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

$CompAcc_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 StrongCulture_{i,t} + \beta_2 Sudden CEO Turnovers_{i,t} + \beta_3 StrongCulture \times Sudden CEO Turnovers_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 MTB_{i,t} + \beta_6 Leverage_{i,t} + \beta_7 ASize_{i,t} + \beta_8 LossProb_{i,t} + \beta_9 SDSaleGrowth_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$					
متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	prob	VIF
ضریب ثابت	-۰/۰۲۹۶	۰/۰۱۵۹	-۱/۸۶۳۲	۰/۰۶۵۱	-
Strong Culture	۰/۰۰۲۴	۰/۰۰۱۹	۱/۲۲۳۸	۰/۲۲۳۶	۱/۰۶
Sudden CEO Turnovers	۰/۰۰۵۱	۰/۰۰۲۹	۱/۷۵۶۷	۰/۰۸۱۸	۱/۳۰
Strong Culture * Sudden CEO Turnovers	۰/۰۱۹۹	۰/۰۰۹۹	-۲/۰۰۴۲	۰/۰۴۷۵	۱/۳۴

متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	prob	VIF
Size	-۰/۰۰۲۴	۰/۰۰۰۹	-۲/۵۰۵	۰/۰۱۳۷	۱/۰۸
MTB	۰/۰۰۰۰۰۰۲	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۲۵	۰/۹۹۸۰	۱/۰۳
Leverage	-۰/۰۰۰۹	۰/۰۰۵۰	-۰/۱۷۷۹	۰/۸۵۹۱	۱/۱۳
A Size	-۰/۰۰۱۲	۰/۰۰۱۱	-۱/۰۹۹۵	۰/۲۷۴۰	۱/۰۰
Loss Prob	-۰/۰۱۰۰	۰/۰۰۳۷	-۲/۷۱۰۲	۰/۰۰۷۸	۱/۱۶
SD Sales Growth	۰/۰۱۲۱	۰/۰۰۳۷	۳/۲۱۷۵	۰/۰۰۱۷	۱/۰۳
آماره F فیشر	۱۵/۴۵۷۲			۰/۰۰۰۰	
آماره F لیمر	۷/۳۷۴۶			۰/۰۰۰۰	
آماره هاسمن	۳۲/۳۶۲۸			۰/۰۰۰۰	
آماره نسبت راست‌نمایی	۲۵۶۱/۶۵۸			۰/۰۰۰۰	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۶۰۸۴	آماره دوربین واتسون		۱/۸۸۶۷	
تعداد مشاهدات	۱۰۹۹				

منبع: یافته‌های پژوهش

به منظور تعیین نوع داده‌های ترکیبی، از آزمون اف لیمر و هاسمن استفاده شده است. نتایج بیانگر داده‌های تابلویی با اثرات ثابت است.

برای تأیید فرضیه دوم انتظار می‌رود ضریب (β_3) مثبت و معنادار باشد. نتایج نگاره (۶) نشان می‌دهد ضریب حاصل ضرب فرهنگ شرکتی نافذ و تغییر ناگهانی مدیر عامل مثبت (۰/۰۱۹۹) و سطح معناداری این متغیر کمتر از ۵ درصد است. با توجه به سطح معناداری حاصل شده، فرضیه دوم در سطح خطای پنج درصد پذیرفته شده است. از این‌رو نتیجه گرفته می‌شود که با وجود تغییر ناگهانی مدیر عامل فرهنگ شرکتی نافذ بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی تاثیر مثبت می‌گذارد. این یافته‌ها مطابق با این استدلال می‌باشد که مدیران در شرکت‌هایی با فرهنگ شرکتی نافذ اقدامات فرصت‌طلبانه کمتری انجام می‌دهند و در نتیجه در مواجهه با رویدادهای اقتصادی مشابه، تصمیم‌گیری یکدست‌تر می‌شود.

معناداری آماره اف فیشر (۱۵/۴۵۷۲) نشان دهنده معناداری کل رابطه (۹) است. مقدار آماره دوربین واتسون بیانگر این موضوع است که باقیمانده‌های رابطه (۹) مشکل خودهمبستگی ندارند. مقادیر آماره تورم واریانس (VIF) نشان می‌دهد در بین متغیرهای مستقل رابطه (۹) مشکل هم

خطی وجود ندارد. همچنین معناداری آماره نسبت راست نمایی نشان دهنده وجود مشکل ناهمسانی واریانس بین اجرای اخلاص رابطه (۹) است که برای رفع این مشکل از روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شده است. همچنین بر اساس ضریب تعیین تعدیل شده، ۶۰ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط مجموع متغیرهای مستقل و کنترلی توضیح داده می شود.

۵. نتیجه گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر فرهنگ شرکتی نافذ و تغییر ناگهانی مدیرعامل بر قابلیت مقایسه پذیری صورتهای مالی انجام شد. استدلال بر این بود که فرهنگ شرکتی نافذ، از طریق شفاف سازی اهداف و رویه های شرکت و کاهش انگیزه مدیران برای گزارشگری مالی نادرست، می تواند مقایسه پذیری صورتهای مالی را تحت تأثیر قرار دهد. انتظار می رفت که این شفافیت، در مواجهه با رویدادهای غیرمنتظره، عدم قطعیت ها را کاهش داده و با ایجاد یکنواختی بیشتر در تصمیم گیری های حسابداران و مدیران، به افزایش مقایسه پذیری منجر شود. همچنین، انتظار می رفت که فرهنگ شرکتی نافذ با کاهش رفتارهای فرصت طلبانه مدیران، زمینه را برای اتخاذ تصمیمات گزارشگری مالی یکسان در مواجهه با رویدادهای اقتصادی مشابه فراهم آورد و در نتیجه، مقایسه پذیری را افزایش دهد (فرانسیس و همکاران، ۲۰۱۴).

نتایج پژوهش نشان داد که با افزایش فرهنگ شرکتی نافذ، قابلیت مقایسه پذیری صورتهای مالی نیز افزایش می یابد. بر این اساس، فرضیه اول پژوهش مبنی بر تأثیر مثبت فرهنگ شرکتی نافذ بر قابلیت مقایسه پذیری صورتهای مالی، تأیید می شود. این یافته با نتایج پژوهش بهنداری و همکاران (۲۰۲۲) همسو است. آن ها نیز نشان دادند که فرهنگ شرکتی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت تأثیرگذار است و با افزایش تمرکز بر فرهنگ شرکتی، کیفیت گزارشگری مالی بهبود می یابد. همچنین، یافته های این پژوهش با نتایج مرادی و جودکی (۱۴۰۲) مبنی بر تأثیر فرهنگ سازمانی، حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر عملکرد حسابرسان و مطالعه قائد امینی هارونی و همکاران (۱۴۰۱) در خصوص تأثیر فرهنگ سازمانی بر عملکرد شغلی از طریق متغیرهای واسط رضایت شغلی و اشتراک گذاری دانش، مطابقت دارد.

در خصوص فرضیه دوم، نتایج نشان داد که با وجود تغییر ناگهانی مدیر عامل فرهنگ شرکتی نافذ تأثیر مثبت و معناداری بر مقایسه پذیری صورتهای مالی دارد. این یافته با این استدلال همخوانی دارد که مدیران در شرکت هایی با فرهنگ شرکتی نافذ، کمتر به اقدامات فرصت طلبانه

روی می‌آورند و در نتیجه، در مواجهه با رویدادهای اقتصادی مشابه، تصمیم‌گیری‌های یکدست‌تری اتخاذ می‌کنند. در مجموع، نتایج حاکی از آن است که در شرکت‌هایی با فرهنگ شرکتی نافذ، تغییر ناگهانی مدیرعامل، اثر کاهنده‌ای بر مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی ندارد. این یافته با پژوهش بیگرفتاف و همکاران (۲۰۱۵) که رفتار مدیران را یک عامل کلیدی در فرهنگ شرکت می‌دانند، همسو است. همچنین، نتایج این پژوهش با مطالعه افضل‌ی (۲۰۲۳) در زمینه فرهنگ شرکتی و مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی، مبنی بر اینکه تغییر ناگهانی در مدیرعامل می‌تواند فرهنگ شرکت را قوی‌تر یا ضعیف‌تر کند، همخوانی دارد. با این حال، بر اساس نتایج این پژوهش، به نظر می‌رسد که تغییر ناگهانی مدیرعامل، تأثیر چندانی بر شرکت‌هایی با فرهنگ شرکتی قوی ندارد.

نتایج پژوهش به استانداردگذاران و تدوین‌کنندگان قوانین و مقررات کمک می‌کند تا با توجه به ویژگی قابلیت مقایسه، اصول و استانداردهای جدید را تدوین کنند. قابلیت مقایسه صورت‌های مالی همواره در سایه تدوین استانداردهای حسابداری منطبق بر آخرین تحولات مربوط به ویژگی‌های کیفی میسر می‌شود، هر چند که تحت تأثیر قضاوت و برآوردهای مدیران نیز قرار می‌گیرد. بنابراین نتایج این پژوهش علاوه بر ارائه رهنمودی برای مدیران، می‌تواند به عنوان بازخوردی برای کمیته تدوین استانداردهای حسابداری باشد تا با وضع قوانین و مقررات جدید، شرکت‌ها را ملزم به تهیه و تدوین گزارش تاثیر نقش عوامل غیرمالی در عملکرد سازمان‌ها، به ویژه گزارشگری مالی باشند. علاوه بر آنچه که ذکر شد، نتایج این پژوهش برای سرمایه‌گذاران و مدیران در کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و بهینه‌سازی پرتفوی‌های سرمایه‌گذاری مفید است. در آخر نتایج این پژوهش به مدیران اجرایی سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی و دولتمردان و همچنین استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، اعتباردهندگان و تحلیل‌گران مالی در شناسایی اطلاعات مربوط کمک می‌کند و سبب می‌شود که افراد مختلف در تصمیم‌گیری‌های خود از قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بهره بهینه ببرند.

همیشه محیط پژوهش در شرایط کاملاً دقیق و ثابت قرار نمی‌گیرد و هر پژوهش با محدودیت‌های متفاوتی مواجهه می‌شود. در اینجا به مهم‌ترین محدودیت‌ها اشاره شده است:

۱- ارزیابی فرهنگ شرکتی یک چالش است، زیرا سازمان‌های مختلف ارزش‌های فرهنگی خود را به شیوه‌های منحصر به فردی تفسیر و اجرا می‌کنند که استانداردسازی اندازه‌گیری را دشوار می‌کند. این امر می‌تواند منجر به نتایج متناقض در ارزیابی تأثیر فرهنگ بر گزارشگری مالی و قابلیت مقایسه شود.

۲- تغییر ناگهانی مدیر عامل اغلب با تغییرات سازمانی دیگری مانند تغییر استراتژی یا شرایط بازار همزمان است. این موضوع می‌تواند تجزیه و تحلیل را پیچیده‌تر کند زیرا تأثیر سبک رهبری و تصمیمات مدیر عامل جدید ممکن است با این تغییرات دیگر هم آمیخته باشد.

۳- شرایط اقتصادی، سیاسی، شوک‌های اقتصادی جهانی و تغییرات نظارتی یا تغییر رفتار مصرف‌کننده که خارج از کنترل محقق است، می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر سلامت مالی شرکت داشته باشند. نادیده گرفتن این عناصر در تجزیه و تحلیل قابلیت مقایسه ممکن است منجر به نتیجه‌گیری‌های ساده‌انگارانه‌ای شود که ماهیت چند وجهی گزارشگری مالی را به اندازه کافی نشان نمی‌دهد.

۴- اثرات فرهنگ شرکتی نافذ و تغییرات مدیر عامل ممکن است بلافاصله قابل مشاهده نباشد، یک اثر تأخیری وجود داشته باشد که در آن پیامدهای این تغییرات با گذشت زمان آشکار شود که ارزیابی قابلیت مقایسه را پیچیده می‌کند.

با توجه به یافته‌های حاصل از مطالعه حاضر، پیشنهادهایی بر اساس نتایج پژوهش و همچنین پیشنهادهایی برای انجام پژوهش‌های آتی ذکر می‌گردد.

۱- بررسی نقش عوامل میانجی (مانند کیفیت حسابرسی، حاکمیت شرکتی) و تعدیگر (مانند نوع صنعت، اندازه شرکت) در رابطه بین فرهنگ شرکتی، تغییرات مدیر عامل و مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی.

۲- از داده‌های سری زمانی برای بررسی اثرات طولانی مدت تغییر مدیر عامل و فرهنگ شرکتی بر مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی استفاده شود. این رویکرد به پژوهشگران امکان می‌دهد تا اثرات تأخیری و تغییرات تدریجی در فرهنگ شرکتی را بهتر درک کنند.

۳- سایر پژوهشگران به بررسی نقش ذینفعان مختلف (مانند سهامداران، اعتباردهندگان و مدیران) در رابطه بین فرهنگ شرکتی، تغییر مدیر عامل و مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی بپردازند. این رویکرد می‌تواند به درک بهتر انگیزه‌ها و رفتارهای مختلف ذینفعان در هنگام تغییر مدیر عامل و فرهنگ شرکتی کمک کند.

۴- انجام مطالعات موردی عمیق در مورد شرکت‌هایی که تغییرات قابل توجهی در فرهنگ شرکتی یا مدیر عامل داشته‌اند، می‌تواند بینش‌های ارزشمندی در مورد مکانیسم‌های علیتی که در این رابطه دخیل هستند، ارائه دهد.

یادداشت‌ها

1. De Franco, et al.
2. Zingales, L.
3. Graham, et al.
4. Weber, Y, et al.
5. Sørensen, J. B.
6. Financial Accounting Standards Board.
7. Kim, et al.
8. Guiso, L., P., et al.
9. Francis, J. R., et al.
10. Afzali, M.
11. Pan, Y., et al.
12. Guggenmos, R. D., & Van der Stede, W. A.
13. Bhandari, et al.
14. O'Reilly, C. A., J. A, Chatman.
15. Cameron Kim S, E., Quinn Robert.
16. Li, et al.
17. Afzali, M., et al.
18. McGuire, S. T., et al.
19. Biggerstaff, L., et al.
20. Davidson, R., et al.
21. Chen, et al.
22. Choi, et al.

منابع

الف. فارسی

- حساس یگانه، یحیی؛ مظلومی، نادر و کردستانی، نسیم (۱۳۹۲). نقش سرمایه‌گذاری نهادی در عملکرد شرکت‌های بیمه (خصوصی) در ایران. *پژوهش‌نامه بیمه*، ۲(۲۸)، ۱-۲۴.
- حسین عبدالله، محمودعلی؛ مهارتی، یعقوب؛ ملک‌زاده، غلامرضا و خوراکیان، علی‌رضا (۱۴۰۱). بررسی اثر فرهنگ شرکتی بر عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط ایران و عراق با توجه به نقش واسطه‌گرایش به کارآفرینی و نقش تعدیل‌گر فرهنگ ملی. *پژوهش‌نامه مدیریت تحول*، ۱۴(۱)، ۵۸-۱۲۲.
- خداپرست شیرازی، جلیل؛ طالب‌نیا، قدرت‌اله و مصلی‌نژاد، طاهره (۱۳۹۱). محتوای اطلاعاتی نسبی و افزایشی سود در مقابل نرخ‌های باز یافت وجوه نقد برای ارزیابی عملکرد شرکت. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۴(۲)، ۱-۲۲.
- درودی، هما و کنگری، سهیلا (۱۳۹۳). تبیین رابطه فرهنگ سازمانی در بالندگی نیروی انسانی. *مطالعات کمی در مدیریت*، ۵(۱)، ۱۲۰-۱۳۰.
- سازمان حسابرسی (۱۳۹۲). نشریه ۱۶۰ استانداردهای حسابداری، تهران: انتشارات سازمان حسابرسی.

فروغی، داریوش و قاسم‌زاد، پیمان (۱۳۹۴). تأثیر قابلیت مقایسه صورتهای مالی بر ضریب واکنش سود آتی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۲(۴)، ۴۷۹-۵۰۰.

قائد امینی هارونی، عباس؛ صادقی ده‌چشمه، مهرداد؛ مالکی فارسانی، غلامرضا و ماهرانی برزانی، مجید (۱۴۰۱). بررسی تأثیر فرهنگ سازمانی فرهنگی بر عملکرد شغلی از طریق متغیرهای واسط رضایت شغلی و اشتراک‌گذاری دانش. *سامانه مدیریت نشریات علمی*، ۵(۴)، ۲۷۷-۲۹۴.

محمدی، ناهید (۱۴۰۳). بررسی تأثیر فرهنگ شرکتی بر گزارشگری مالی و مقایسه‌پذیری صورتهای مالی، *دهمین کنفرانس بین‌المللی علوم مدیریت و حسابداری، تهران*،

<https://civilica.com/doc/2026538>

مرادی، علیرضا؛ ساروئی، سمیه و پویازاده، پری‌چهر (۱۴۰۳). فرهنگ شرکتی و مقایسه‌پذیری صورتهای مالی، *دوازدهمین کنفرانس بین‌المللی تحقیقات بین رشته‌ای در مدیریت*،

<https://civilica.com/doc/2102374> *حسابداری و اقتصاد در ایران، تهران*،

مرادی، مجید؛ و جودکی، رضا (۱۴۰۲). تأثیر فرهنگ سازمانی، حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر عملکرد حسابرسان. *پژوهش‌های حسابرسی حرفه‌ای*، ۳(۱۰)، ۷۲-۹۵.

هاشمی دهچی، مجید؛ ایزدی نیا، ناصر و امیری، هادی (۱۳۹۹). تأثیر قابلیت مقایسه صورتهای مالی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری با تأکید بر نقش سرمایه‌گذاران متخصص و عدم تقارن اطلاعاتی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۷(۳)، ۴۷۳-۴۹۴.

ب. انگلیسی

Accounting Standards Development Committee (2009). Accounting standards, *Tehran, Audit Organization*. (in Persian).

Afzali, M. (2023). Corporate Culture and Financial Statement Comparability. *Advances in Accounting*, 60, 100640.

Audit Organization (2012). Accounting Standards Publication, 160, Tehran: *Audit Organization Publications*. (in Persian).

Bhandari, A., B., Mammadov, M., Thevenot, H., Vakilzadeh. (2022). Corporate Culture and Financial Reporting Quality. *Accounting Horizons*, 36(1), 1-24.

Biggerstaff, L., D.C., Cicero, A., Puckett, (2015). Suspect CEOs, Unethical Culture, and Corporate Misbehavior. *Journal of Financial Economics*, 117(1), 98-121.

Cameron Kim S, E., Quinn Robert, (2006). Diagnosing and Changing

- Organizational Culture. *Addison Wesley. Reading, MA.*
- Chen, C. W., Collins, D. W., Kravet, T. D., & Mergenthaler, R. D. (2018). Financial Statement Comparability and the Efficiency of Acquisition Decisions. *Contemporary Accounting Research*, 35(1), 164–202.
- Chen, H., Francis, B. B., Hasan, T., & Wu, Q. (2022). Does corporate culture impact audit pricing? Evidence from textual analysis. *Journal of Business Finance and Accounting*, 49(5–6), 778–806.
- Choi, J, S, Choi, L, Myers, D, Ziebert, (2018). Financial Statement Comparability and the IN formativeness of Stock Prices about Future Earnings. *Contemporary Accounting Research, Forthcoming*, 36(1), 389–417.
- Davidson, R., A., Dey, A, Smith. (2015). Executives’ off-the-Job Behavior, Corporate Culture, and Financial Reporting Risk. *Journal of Financial Economics*, 117(1), 5–28.
- De Franco, G., S., Kothari, R, Verdi. (2011). The Benefits of Financial Statement Comparability. *Journal of Accounting Research*, 49(4), 895–931.
- Droodi, H. & Kangari, S. (2014). Explaining the Relationship of Organizational Culture in the Growth of Human Resources. *Quantitative Studies in Management*, 5(1), 120-130. (in Persian)
- Francis, J. R., M. L., Pinnuck, O, Watanabe. (2014). Auditor Style and Financial Statement Comparability. *The Accounting Review*, 89(2), 605–633.
- Foroughi, D. & Qasimzad, P. (2014). The Effect of Comparability of Financial Statements on the Reaction Coefficient of Future Earnings. *Accounting and Auditing Review*, 22(4), 479-500. (in Persian)
- Guggenmos, R. D., & Van der Stede, W. A. (2020). The Effects of Creative Culture on Real Earnings Management. *Contemporary Accounting Research*, 37(4), 2319–2356.
- Guiso, L., P., Sapienza, L, Zingales. (2015). The Value of Corporate Culture. *Journal of Financial Economics*, 117(1), 60–76.
- Graham, J. R., Grennan, J., Harvey, C. R., & Rajgopal, S. (2022). Corporate Culture: Evidence from the Field. *Journal of Financial Economics*, 146(2), 552–593.
- Gujarati, D. (2008). *Fundamentals of Econometrics, Volume 2*, Translated by Hamid Abrishmi, Tehran: *Tehran University Publications*. (in Persian).
- Hashemi Dehchi, M; Izadinia, N & Amiri, H (2019). The Effect of Comparability of Financial Statements on the Relevance of Accounting

- Information with Emphasis on the Role of Expert Investors and Information Asymmetry. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 27(3), 473-494. (in Persian)
- Hassas Yeganeh, Y; Mazloumi, N. & Kurdestani, N. (2012). The Role of Institutional Investment in the Performance of (private) Insurance Companies in Iran. *Insurance Research Journal*, 2(28), 1-24. (in Persian)
- Hossein Abdullah, M. A; Maharti, Y; Malekzadeh, Gh & Khorakian, A. R (2022). Investigating the Effect of Corporate Culture on the Performance of Small and Medium-Sized Companies in Iran and Iraq, Considering the Mediating Role of Entrepreneurial Orientation and the Moderating Role of National Culture. *Transformation Management Journal*, 14(1), 122-58. (in Persian)
- Kim, S., Kraft, P., & Ryan, S. G. (2013). Financial Statement Comparability and Credit Risk. *Review of Accounting Studies*, 18(3), 783–823.
- Li, K., F., Mai, R., Shen, X, Yan. (2021). Measuring Corporate Culture Using Machine learning. *Review of Financial Studies*, 34(7), 3265–3315.
- McGuire, S. T., Omer, T. C., & Sharp, N. Y. (2012). The Impact of Religion on Financial Reporting Irregularities. *The Accounting Review*, 87(2), 645–673.
- Moradi, M. & Jodaki, R. (2023). The Effect of Organizational Culture, Corporate Governance and Audit Quality on Auditors' Performance. *Professional Auditing Research*, 23(10), 73-95. (in Persian)
- O'Reilly, C. A., J. A, Chatman. (1996). Culture as Social Control, Corporations, Cults, and Commitment. *Research in Organizational Behavior*, 18, 157–200.
- Pan, Y., Siegel, S., & Wang, T. Y. (2017). Corporate Risk Culture. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 52(6), 2327–2367.
- Robert, K., Sangwan, K., & Prianka, M. (2018). When Does Comparability Better Enhance Relevance? Policy Implications from Empirical Evidence. *Journal of Accounting and Public Policy*, 37(5), 436-457.
- Sørensen, J. B. (2002). The Strength of Corporate Culture and the Reliability of Firm Performance. *Administrative Science Quarterly*, 47(1), 70–91.
- Weber, Y., Shenkar, O., & Raveh, A. (1996). National and Corporate Cultural Fit in Mergers/Acquisitions: An Exploratory Study. *Management Science*, 42(8), 1215–1227.
- Zingales, L. (2015). The Cultural Revolution in Finance. *Journal of Financial Economics*, 117(1), 1–4.